

## جعفرزاده قاضی و مجموعه بی نظیرش

محمدجواد جدی

حمیدرضا قلیچ‌خانی

جعفر جعفرزاده قاضی در سال 1300 خورشیدی در محله شاپور و خیابان فرهنگ تهران به دنیا آمد. پدر او که در جوانی از اصفهان به تهران مهاجرت کرده بود، همراه برادرش یعنی عموی جعفر به کار تجارت مشغول بود و به اقتضای کار خود مرتباً به ترکیه سفر می‌کرد. جعفر نیز مدتی پس از فوت پدر، یعنی در سال 1321 به استانبول رفت و به مدت 4 سال در آنجا اقامت گزید و به قول خودش زبان ترکی را بهتر از بقیه زبانها (یعنی انگلیسی، فرانسوی و آلمانی که بعدها در اروپا فرا گرفت) می‌دانست. او در مدت اقامت خود در ترکیه با آثار تاریخی و هنرهای اسلامی آشنا و به آنها علاقه‌مند شد و در میان همه آنها شیفته هنر خوشنویسی و کتابت گردید. جعفر جعفرزاده قاضی پس از اتمام جنگ جهانی دوم به فرانسه رفته و یکسال نیز در آنجا بسر برد. او در کنار کار تجارت خانوادگی به جمع‌آوری آثار گوناگون به شکل تفنن و سرگرمی نیز اقدام می‌نمود. کم‌کم علاقه فراوان او به جمع‌آوری این آثار سبب شد تا کار تجارت را رها سازد و تمام وقت خود را به صورت جدی صرف جمع‌آوری این آثار نماید. او با بیشتر کتابخانه‌ها و موزه‌ها؛ مانند کتابخانه مجلس شورای ملی و نیز موزه‌های کشورهای ترکیه، آلمان، انگلیس و فرانسه در ارتباط بود و مبادله اطلاعات داشت و گاه برای مطالعات تحقیقاتی برخی از کتابها و مرقع‌های نفیس خود را در اختیار آنها قرار می‌داد.

جعفر جعفرزاده قاضی پس از سفرهای طولانی، بالاخره در شمال شهر مونیخ آلمان اقامت گزید. او همواره برای تهیه آثار نفیس به حراجی‌های گوناگون کشورهای چوین ترکیه و انگلستان در رفت و آمد بود و به این‌سان توانست پس از شصت سال گنجینه‌ای بسیار نفیس از خطوط و کتاب‌های ایرانی و اسلامی شامل مرقعات خط و کتاب‌های نفیس خطی چون قرآن و دیوان‌های سخنوران پارسی و عثمانی و عربی فراهم آورد.

مرحوم قاضی در ایران با بزرگانی چون مرحوم سلطان‌القرایی تبریزی و استاد عبدالحسین حائری آشنا بود و از اطلاعات و نظریات آنها سود می‌جست. سابقه آشنایی نویسنده این سطور با مرحوم قاضی به بیش از 25 سال می‌رسید. مرحوم قاضی همواره آرزو می‌کرد و می‌گفت: «کاش در ایران شرایط به گونه‌ای بود که می‌توانستم ثمره بیش از نیم قرن تلاش و زحمتی که برای جمع‌آوری این آثار نفیس صرف شده‌را در موزه‌ای اختصاصی در وطن خود به نمایش عمومی بگذارم تا علاقه‌مندان بتوانند با دسترسی به منابع ناب، هنر گذشتگان خود را از نزدیک ببینند و ادامه دهنده‌را آنها باشند». من از همان روزهای ابتدایی اصرار فراوانی داشتم که به مصداق آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید، ایشان حداقل تصاویری از آثار مجموعه خود را به صورت نفیس چاپ و منتشر کند اما بهانه‌ها و اگر مگرهای ذهنی او مانع این کار بود، تا اینکه بالاخره در اواخر عمر تصمیم گرفت تصویر برخی از آثار مجموعه خود را شخصاً تهیه و در اختیارم قرار دهد، او همچنین مصمم شد دیوانی منحصر به فرد از لسان‌الغیب حافظ شیرازی را که در سال 867 هـ. ق محمود هروی پیروباغی کتابت شده بود به چاپ برساند که اجل اماتش نداد و در 3 مهر سال 1386 خورشیدی در مونیخ دارفانی را وداع گفت.

تصاویر برخی از آثار مجموعه او بعدها توسط خواهرزاده ایشان و دوست گرامی‌ام جناب آقای مجید قدس در اختیارم قرار گرفت که ضمن تشکر از ایشان به جهت توجه و عنایتی که به پژوهش‌های حوزه خوشنویسی دارند تعدادی از این آثار را با انتخاب و معرفی پژوهشگر نامی و دوست گرامی استاد حمیدرضا قلیچ‌خانی تقدیم علاقه‌مندان می‌نمایم و امیدواریم در آینده بتوانیم به معرفی آثار بیشتری از این مجموعه منحصر به فرد اقدام نمایم.

برخی از این آثار به اندازه‌ای نادر و منحصر به فردند که شرح حال یا حتی نام برخی از کاتبان و خوشنویسان آنها در منابع مهمی چون احوال و آثار خوشنویسان مرحوم دکتر مهدی بیانی ذکر نشده است، و از این روی توجه پژوهشگران به این آثار و آشنایی با آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند الگوی مناسبی برای شناسایی بسیاری از آثار موجود بدون رقم را در آینده فراهم آورد.

به یاد دارم روزی که به علت بیماری نتوانست به دیدارم بیاید و تلفنی خواست تا در هتل لاله به دیدارش بروم و در حقیقت این دیدار، آخرین دیدارم با او بود، از دوست هنرمندم جناب رضا ابراهیمی‌نژاد خواستم مرا همراهی کند تا ضمن آشنایی با جناب قاضی شاید مقدمات سفر ایشان به مونیخ جهت عکس‌برداری فنی و تخصصی از آن مجموعه برای کتاب‌های 25 جلدی شرح حال خوشنویسان فراهم آید. این ملاقات در هتل لاله تا پاسی از شب طول کشید. وقتی به ایشان گفتم: این

مجموعه نفیس را باید فرد متخصصی به صورت دقیق عکس‌برداری یا اسکن کند، با لبخندی رو به من کرد و گفت دیگر دیر شده، سرطان تمام وجودم را گرفته ... و سپس لحظه‌ای درنگ کرد و نفسی کشید و با لبخندی پرسید:

« بینم نمیشه برای کفن جیب بذارن؟ تا حداقل چندتا از اینها رو ببرم اون طرف؟»

این سخن آخر آن مرحوم در عین ظاهر طنزآمیز خود حکایت از واقعیتی انکار ناپذیر داشت و آن علاقه و عشق بی‌چون و چرای او به این آثار ارزشمند بود. تو گویی آنها را فرزندان خود می‌دانست و همچون پدری دوستشان می‌داشت. هر چند هرگز ازدواج نکرد و فرزندى نداشت و این آثار به واقع فرزندان او تلقی می‌شدند. فرزندانى که امروز بیم پراکندگی‌شان می‌رود.

این عبرتی است برای اهل نظر تا پیش از آن که کار از کار بگذرد و فرصت جاویدان کردن نامشان را از دست بدهند کاری را که شایسته شخصیت خود و میراث فرهنگی سرزمینشان است انجام دهند، و گر نه ایشان نیز همچون شادروان قاضی و به مصداق سخن قیصر امین‌پور در می‌یابند که «ناگهان چقدر زود دیر می‌شود» یادش گرامی‌باد

در مجموعه قاضی، تنوع و گوناگونی بدانسان است که در کمتر مجموعه خصوصی می‌توان نظیر آن را یافت؛ چرا که در برگزیده آثار ارزشمندی از دوره مغول (سده هفتم هجری)، تیموری، صفوی و قاجار است. این مجموعه از نظر خطوط گوناگون و تنوع خوشنویسان و ملیت آنان نیز نفیس است. معرفی دقیق تمامی آثار این مجموعه گران‌سنگ، به یقین از حوصله مقاله‌ای چنین، خارج است و از آنجا که این آثار را صرفاً از تصاویری غیر حرفه‌ای و گاه ناقص که در اختیار داشته‌ایم، معرفی و شناسایی می‌کنیم، نمی‌توان به تمامی نکات شایسته و بایسته پرداخت؛ چرا که از برخی نسخه‌ها، تنها یک یا دو صفحه عکاسی شده و برخی از انجمنه‌های نسخه‌ها، دیگر صفحه‌ها را نداشته و نیازمند حدس و گمان شده‌اند. گاه تصاویر شفاف و خوانا نبوده و گاه در پرسپکتیو گرفته شده است؛ با این حال برای پی بردن به نفایس این مجموعه، نکاتی را در باب برخی از تصاویر به دست آمده به نظر علاقه‌مندان می‌رسانیم:

**تصویر 1:** انجمنه نسخه‌ای است به خط نستعلیق پخته و عالی که رقم سلطان علی را با تاریخ 923 ق دارد. این اثر را به گمان بسیاری توسط هنرمندی که عیار خطش از سلطان علی بیشتر و شهرتش کمتر بوده، جعل شده است؛ چرا که سلطان علی مشهدی از سال 911 ق از هرات به زادگاهش مشهد بازگشت و در سال 926 ق در همانجا به دیار باقی شتافت. سلطان علی در این زمان (923 ق) حدود 82 سال داشته و با توجه به یکدستی و پختگی خط، باید در دهه‌های پس از وی، کتابت شده باشد.

**تصویر 2:** انجمنه‌ای از کاتبی گمنام که عماد نور کمال رقم کرده است و تاریخ 871 ق دارد. از این هنرمند، اثر دیگری دیده نشده است.

**تصویر 3:** انجمنه‌ای است از کاتبی گمنام که به خط ثلث و طلای محلول نوشته و سپس تحریر (دورگیری) شده است. می‌دانیم که برای محلول کردن طلا، مفتول نازکی از آن در میان دو لایه چرم گذاشته و می‌کوبیدند تا پهن و بسیار نازک گردد، پس از آن، طلا را در کاسه‌ای کوچک با صمغ می‌ساییدند و محلول «زرخل» به دست می‌آمد. این محلول با قلمو نیز قلم‌مو و قابل استفاده بوده است. این نسخه به خط ابوالبقاء بن علی الدمشقی در 721 ق نوشته شده است.

**تصویر 4:** انجمنه نسخه‌ای از اربعین (ترجمه جامی) است که به قلم خوشنویس شهید، مالک دیلمی در 949 ق. نگاشته شده است. گفتنی است که در مجموعه قاضی آثار دیگری نیز از همین هنرمند دیده می‌شود.

**تصویر 5:** انجمنه‌ای از سلطان محمود کاتب در 950 ق است این کاتب را نباید با شاه محمود کاتب (نیشابوری) اشتباه کرد. از سلطان محمود، آثار چندانی دیده نشده است.

**تصویر 6:** نسخه‌ای از مناجات منظوم علی (ع) با ترجمه فارسی آن است. این اثر رقم احمدالحسینی المشهدی الکاتب را دارد. وی شاگرد میرعلی بوده و مقدمه مرقع امیر غیب بیک (در توپ قاپی استانبول) هم از آثار اوست. آثار تاریخ دار وی میان سالهای 965 تا 982 ق نوشته شده است.

**تصویر 7:** انجمنه نسخه‌ای از اربعین (ترجمه جامی) است به خط سلطان احمد هروی در 904 ق که در استانبول کتابت شده است. دو نکته جالب این که در ترقیمه عبارت «محمد و آله» هست و این پیش از استقرار شاه اسماعیل اول در 907 ق و رسمی شدن تشیع است؛ دیگر این که یک صد و بیست سال پیش از شهادت میرعماد و نفوذ گسترده نستعلیق در هند و عثمانی نگاشته شده است و بسیار در خور بررسی است.

**تصویر 8:** انجمنه نسخه‌ای به خط رقاع و به روش رنگ‌نویسی است از کاتبی گمنام که شیخ محمدبن شیخ کمال سبزواری است و تاریخ نسخه در زیر مهر بزرگی است که در تصویر موجود خوانا نیست.

**تصویر 9:** انجمنه نسخه‌ای به خط نستعلیق محمدبن علی شریف بغدادی در 957 ق است.

**تصویر 10:** انجمنه‌ای به خط کاتبی گمنام که محمد شیرازی است و تاریخ 943 ق دارد.

**تصویر 11:** انجامة نسخه‌ای از اربعین (ترجمه جامی) است به خط محمود مذهب هروی که در مکه و به سال 960 ق تحریر شده است. دکتر بیانی این هنرمند را در صفحه 894 کتاب احوال و آثار خوشنویسان معرفی کرده است.

**تصویر 12:** انجامة نسخه‌ای دیگر از اربعین است که توسط خوشنویسی گمنام که نامش سلیم بوده، نگاشته شده است. این نسخه در سال 886 ق در مشهد تحریر شده و حاشیه صفحات آن نیز با ابر و باد زیبایی تزیین شده است.

**تصویر 13:** انجامة نسخه‌ای که رقم باباشاه اصفهانی را در 979 ق دارد این اثر به جهت شهرت بابا شاه میان سالهای 974 تا 994 ق تحریر شده و وی در 996 ق درگذشته است.

**تصویر 14:** چلیپایی با رقم عمادالملک الحسنی القزوینی در 1022 ق در اصفهان. این چلیپا اگرچه بسیار عالی و با عیار است، بی‌گمان نقل و یا جعل شاگردان و پیروان میرعماد باشد؛ چرا که میرعماد از چنین رقمی به ندرت استفاده کرده، اما این شعر را با همین ترکیب و دانگ قلم، بارها نوشته است.

**تصویر 15:** انجامة نسخه‌ای به خط پخته مالک دیلمی در 956 ق که برای شخصی به نام حافظ حسین بابا فرجی نگاشته است. مالک تا سال 969 ق می‌زیسته است (نک: احوال و آثار خوشنویسان، دکتر مهدی بیانی، صص 598 و 1133).

**تصویر 16:** سطری است که رقم فتحعلی شاه قاجار (حک: 1250 - 1211 ق) را دارد. از وی رقع‌هایی در کتابخانه کاخ گلستان و کتابخانه مجلس نیز وجود دارد.

**تصویر 17:** مرقعی است در برگیرنده مناجات خواجه عبدالله انصاری با رقم میرعلی الکاتب در 920 ق این مرقع بسیار ارزشمند، تأیید کننده این نکته است که میرعلی هروی پس از درگذشت سلطان حسین بایقرا (در 911 ق) در حمایت خواجه حبیب الله ساوجی بوده است، تا این که در سال 935 ق به اجبار به بخارا برده شد. این مرقع از آثار اصیل وی بوده و بعید است که از آثار مجعول باشد. همچنین می‌دانیم میرعلی کاتب، میرعلی سلطانی، علی الحسینی و ... وجود داشته که شناسایی میرعلی کاتب هروی (همان علی الحسینی) را بسیار دشوار ساخته است. این اثر همراه با مرقع نی نامه جامی (در کتابخانه دانشگاه تهران) و گزیده بوستان (در کتابخانه مجلس شورا) و رقع‌هایی از مرقع گلشن (در کتابخانه کاخ گلستان) می‌تواند معیار تشخیص اصالت دیگر آثار وی باشد.

**تصویر 18:** چلیپایی از میرعلی کاتب که بسیار پخته و با عیار است.

**تصویر 19:** چلیپایی با رقم گوهرشاد که همان دختر میرعماد است. وی پس از درگذشت میرعماد (در 1024 ق) تا سال 1038 ق می‌زیسته است.

**تصویر 20:** چلیپایی با رقم علی رضای عباسی. این قطعه اگر چه تاریخ ندارد ولی با توجه به نسبت عباسی و پختگی خط، می‌بایست پس از سال 1001 ق. تحریر شده باشد. علی‌رضا تا حدود 1038 ق در قید حیات بوده است و می‌دانیم که جز نستعلیق، در خط ثلث نیز از سرآمدان به شمار می‌رود.

**تصویر 21:** چلیپایی از سروده‌های سعدی و با رقم شاه محمود. شاه محمود تا سال 982 ق در قید حیات بوده و گفتنی است که وی بیشتر به کتابت علاقمند بوده تا قلم‌های جلی و درشت. وی نخستین قرآن نستعلیق را در سال 945 ق (در موزه توپ قاپی استانبول) نگاشته است.

**تصویر 22:** چلیپایی با رقم خوشنویسی گمنام که نامش علی المعروف است و تاریخ 1120 ق را دارد. وی سروده مشهور میرعلی را (هنگامی که در بخارا بوده است) کتابت کرده است. این سروده به قلم خود میرعلی هم کتابت شده و اکنون در مرقع گلشن (در کاخ گلستان) وجود دارد. در آن قطعه اگر، میرعلی مصراع چهارم این چلیپا را به صورت «چون گدایان جگر از بهر معیشت خون شد» نمی‌نگاشت، بی‌شک بزرگان و اهل بخارا، قطعه یاد شده را از میان می‌بردند و یا همچون چلیپای «علی المعروف واژه بخارا را پاک می‌کردند».

**تصویر 23:** متن کتابت شده از شأن نزول حدیث قدسی «ولایة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»، این اثر از نفایس مجموعه قاضی است و رقم خوشنویس شهید دوره قاجار، غلام رضا اصفهانی را در سال 1299 ق. دارد که برای حشمت‌الدوله عبدالله میرزا نوشته است. غلامرضا این متن را بار دیگر در همان سال 1299 ق با ترکیبی دیگر نوشته که در کتاب مرقع نگارستان (از احمد سهیلی خوانساری) پیش از این به چاپ رسیده است. خوشنویسان دیگری چون محمد حسین شیرازی (کاتب السلطان) نیز این متن را چند بار با ترکیبی نزدیک به این قطعه نگاشته‌اند.

**تصویر 24:** انجامة نسخه‌ای است به خط علاءالدین تبریزی، خوشنویس بزرگی که شاگردانی چون عبدالباقی تبریزی و علی رضای تبریزی (عباسی) را تربیت کرده است.

علاءالدین این اثر را در 985 نگاشته و می‌دانیم که تا سال 1010 ق در قید حیات بوده است.

با درگذشت قاضی، این مجموعه نفیس در مجموعه‌های گوناگون و برخی موزه‌ها پراکنده خواهد شد و درینا که پیش از این فروپاشی، این مجموعه با تصاویر مناسب و شرحی شایسته، مکتوب نشد تا دست کم در پژوهش‌های خط و خوشنویسی علاقه‌مندان را یاری رساند.

خلافاً ليونس وسمما في غير سماع الضمير البارز كما للمفضل

فان لم يكن في المفضل ومن ثم قيل بل ترين وترون وترين

واعزون واعزون واعزون والمحفة يحذف للث كنين و

في الوقت فردة ما حذف والمفتوح ما قبلها ثقل الفثا

فمقول في افحن افحت ثم مخير

كتبة الضمير الحقة ساطان على

المشهدى بار السلطنة هراء

سنة ثلث وعشرين سعمائة

المصير يوم تشقوا الارض عنهم سرا عاذلك حشر علينا سيد  
نخرا عازما يقولون وما انت عليهم بجبار فذكر بالفرق من

وعيد

وتم اذاعة

كتبه عماد نور مالك في حمادى الثاني سنة اتم

كَتَبَ أَبُو الْبَقَاءِ بْنُ عَلِيٍّ الدِّمَشْقِيُّ  
فِي شَعْبَانَ سَنَةِ ٤٠٠  
وَعَشْرِينَ مِنْ سَنَةِ ٤٠٠

کے پسند و کفر و بچسب دیر  
نشیند کر پسند چسب دیر

تت ترمب تہہ الاربعین بوفیق من یوحسین ناصر و معین

پسندت و ثمانین و ثمانائے مع اللہ بما کل فریق و فیت

والحمد لله علی الاقام والصلوة والسلام علی محمد وآلہ البرکة اکرام

اربعینا ہی پاککان جاے  
پت بھر و حصول صدقہ قبول

نہود از فضل حق عمیب و عزیز

کہ بدین اربعین سے بوضول

رقۃ العبد مالک

۹۴۹  
۱۱

م

کردی بنیاد شه حواله	باش شمیم برین پیاله
که کم سخن من لبندی	تا من پر خیال ندی
صد بار متبول شاه افقاده	شهر را چون نگاه افقاده
چو کاینه دوزار دینار	بخشیدم الماطف پیار
از دولت پادشاه رساندم	گر کوی سخن به رساندم

تا پست فلک بجای شاد باد

بر دپیت ملک دعای شاد باد

تمت الکتاب بول الملک الرواب

حرره العبد المذنب

سلطان محمود الکاتب

فی شهر رجب ۹۵۰

م



الهی فان تعفونی عنک منقذی

خدای من بس اگر عفو کنی بر عفو تو را بایستی منستدوست

والا بقباله نوب المذموم صرع

و اگر نه بس بخواد بلکه گنند و انداخت می شوم

الهی تجوی الحاشیه و آله

خدای من تجوی بی هشتم - و آل او

و حرمه ابرار هم لک خضع

و حرمه نیست که کارانی که ایشان مترافه می کنند کاند

الهی فاشدنی علی دین احمد

خدای من پس آید ما بر دین احمد

منیباً یقیناً فاینا لک خضع

انابت کنند و برین کار زاری کنند که مترافه کنم

مر نظرنا و کت ز سر آلود

که ز پشت دکمان اسپس است

شیخ المومنان ابن محمد صدوق حیرانی

خط سلیکی  
کتابت در سنه ۴۰۰  
در شهر اصفهان  
در روز پنجشنبه  
در ماه ربیع الثانی

تت ترجمه متن الاربعین بتوفیق من موفیر ناصر و معین پسر است  
و ثانیین و ثانیایه مع اعداها کل فریق قین و الحمد لله علی الاتمام  
الصلوة و السلام علی محمد و آله البرکات الکرام

اربعینهای پاکان جامی

چهارم بر حصول مقبول

بنو دار فضل بن عزیمت

که بدین باربعین بر حصول

کتابت در سنه ۴۰۰

کتب العبد الفقیر خیر سلطان محمد  
عفرائد ذنوبه و پسر یوبه  
بدر اصفهان

کتابت در سنه ۴۰۰

كُتِبَ بِالْمَدِينَةِ الْمَدِينَةِ الرَّحْمَى لِلْحَمْدِ  
الْمَلِكِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ السَّامِيِّ شَيْخِي مُحَمَّدٍ  
بِشَيْخِي كَمَالِ السُّبَيْرِيِّ وَبِشَيْخِي كَامِلِ الرَّحْمَنِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پانزده شب از روز زانفا پس می باید گرفت و اگر میان ولادت  
اول و دوم ده روز گذشته هر یک نفاسی است هر چه  
که با ولادت اول دیده تا ده شب از روز هر چه دیده تمام  
نفاس اول است و خونی که با ولادت آخر دیده تا ده شب از روز

دیگر هر چه بوده تمام

نفاس آخر است

تمت هذه النسخة الفقهية

بتاريخ شهر جمادى اول

سنة

حسین

و تسع

الفدا الفقیراللہ محمد بن علی  
الشریف البغدادی ختم اللہ علیہما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تم الكتاب وحسن توفيقه والصلوة والسلام على محمد وآله

في تاريخ شهر رجب سنة مائة اربعين وتسعين كتبه العبد محمد شيرازي

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  که شپت و کان امین است

لا یسبح المؤمن دون جاره

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  
که شپت و کان امین است

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  
که شپت و کان امین است

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  
که شپت و کان امین است

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  
که شپت و کان امین است

مراغه زنا و کیت ز سر الو و  
که شپت و کان امین است

طرح نوکرت در آلا  
کرشیت و کمان لمیسیت

# لا یشع المؤمن ورجاه صدق

مرکز خط  
بازار نفت  
بازار نفت  
بازار نفت

تست ترجمه باه الاربعین بوفیق من مؤید  
ناصر و مبین سپندیت و ثمانین و ثمانیای سع  
الله با کل فسیرق و فیذ احمد علی الاقام و  
الصلوة والسلام علی محمد و آل البسره الکرام  
و قد و فی کجا سما البید الفیر الخیر سید علی الله  
و سیر عو بهد المقدس المور و سیر المظهر

مردمشاه و طلال تاز باد

موت ککش و نون انوار باد

فرقت من تحریر بذات کتاب فی صلح

شهرزی مجسمه تسع و سبعین و تسعمایه

ابعد المذنب بابا شاه الاصفهانی

عمر احمد ذوق



معه القصر المدينى مالك الديرى غفر له

مذكره للاخ في الله بجمع الفضائل والاحلاق

حافظ حسين البياضى سله الله فى اوله  
٩٥٦

درین برآه پویند کے مادی  
شہ محمد شاہ تاجار

کتابہ العبد الفقیر المذنب علی الکاتب رسم کتابخانہ نواب  
صفحہ ۱۰۰ خواجه حبیب اللہ بدایین پلٹہ شراہ ۴۰

ای خرم سفر کرده خدایا رو باو  
لطف از لعل ابدید و کار رو باو  
ایجا جویند از غیب بیان بودی  
بر جا که روی خند آنکند از رو باو

کتابه العبد الفقیر المذنب علی میر اکا





میں تو اس کی  
پسند و ناپسند  
میں تو اس کی  
پسند و ناپسند  
میں تو اس کی  
پسند و ناپسند  
میں تو اس کی  
پسند و ناپسند

دیدار تو حل مشکلات

صبر از تو حلان مملکت

و بیایه صورت بدعت

غدا ن کمال پندار

عنوان کمال

بهر نظر هر جایان

کین و کسین حسن از کوی

بسم الله الرحمن الرحيم



روی الصدوق علیه الرحمہ فی کتاب عیون اخبار الرضا علیہ السلام

قال حدثنا احمد بن الحسن القطان قال حدثني عبد الرحمن بن محمد <sup>حسنه</sup>

قال حدثني محمد بن ابراهيم الفسري قال حدثني عبد الله بن جراح الاپهوانی

قال حدثني ابو الحسن علي بن عمرو قال حدثني الحسن بن محمد بن جمهور قال

قال حدثني علي بن لبال قال حدثني علي بن موسى الرضا عن موسى

بن جعفر عن جعفر بن محمد عن محمد بن علي عن علي بن الحسين بن علي

عن علي بن ابي طالب عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله

عن جبرائيل عن ميكائيل عن اسرافيل عن اللوح عن آدم

قال يقول الله عز وجل ولا يعلی بن ابي طالب حسنة من

دخل حصنة امن من عدو

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بای نوبه نمایند دخیلنا الدینا

مطرز و بقینا فها امتحینا

خرجنامنہا اکثر

کنبه الفقیر الحالی اللہ تعالیٰ

علاء الدین الشیرازی فی سنہ خمس

و ثمانین و تسعمائے